

باسوادى، كم سوادى و آموزش مادام العمر

هدف: هدف این مقاله ادراکی بحث در مورد بعضی از نکات مهم (متضمن) در مقوله های موضوع باسوادى، بی سوادى و آموزش مادام العمر بوده و نگرانی و توجه اهل علم نسبت به افزایش جمعیت جهانی که یا به خواندن علاقه نداشته یا قادر به خواندن نیستند.

طرح / الگو / روش: نزدیکی بحث در مورد سه مقوله عنوان (باسوادى، کم سوادى و آموزش مادام العمر)، و نتایج بدست آمده از مفاد این مقوله ها، نمایانگر وضع افرادی است که از نظر دانش پایه زیر بنای مناسبی ندارند است. این وخامت شامل ناتوانی فرد در خواندن، نوشتن یا تعقل و توانایی محدود آنها در مشارکت و بکار گیری موفقیت آمیز تکنولوژی یا آموزش مادام العمر بیشتری می شود. بحث در مورد جمعیت های حاشیه نشین نشان می دهد که گروه های حاشیه نشین چگونه قادر به مشارکت کامل در جوامع خود نیستند بدون توجه به دلایل اقتصادی، نژادی یا مذهبی اعضا گروه های حاشیه نشین اغلب از بی سوادى نیز رنج می برند

یافته ها: نتیجه گیری شده است که مسئولین کتابخانه که مشوق خواندن و نوشتن هستند می توانند خدمتی در خور توجه ه حرفه ها، فرهنگ های محلی و جامعه جهانی بنمایند.

منشا / ارزش: در این مقاله به مشکل کوتاه مدت و دراز مدت بی سوادى توجه شده است.

هدف این مقاله بر انگیزختن کتابداران در سرتاسر جهان بوسیله ارائه اطلاعات در مورد اثرات بی

کلید واژه ها: کتابداران ، باسوادی، آموزش مادام العمر، خواندن، گروههای مشکل دار

چکیده: یکی از مسئولیت های کتابداران ایجاد پل ارتباطی برای جویندگان اطلاعات که سعی در

گذر از فاصله مجازی دارند بوده و. مسئولیت دیگر آنان تشویق دستاورد های سواد آموزی فردی به

نحوی که کاربران کتابخانه ها آموزش گیرنده های مادام العمر باشند می باشد.. کتابخانه ها و

کتابداران منابعی ضروری برای جویندگان اطلاعات بشمار می آیند. کتابداران متخصصینی می باشند

که اطلاعات و راهنمایی جدید و نو را در اختیار جویندگان قرار می دهند به نحوی که مهارت لازمه

برای تحقیقات مستقل آتی در آنان ایجاد می شود. در این مقاله ارتباط بین مشکلات بی سوادی کم

سواد به عنوان یک انتخاب و باسوادی به عنوان تاثیری مثبت و کلید آموزش مادام العمر مورد بحث

قرار گرفته است.

اصطلاحات

کم سوادی: عدم توانایی در کاربرد مهارتهای باسوادی است. این روند یک بسامد متغیر در امریکا

است. گورمان (۲۰۰۳ ص ۴۱) و جودو ماهیت فرد کم سواد را تشریح می نماید. افراد کم سواد در

زندگی خود فقط آنچه را که باید می خوانند و در صورت نوشتن فقط از اشکال ساده و پست مانند

انتقال پیام متنی استفاده می نمایند.

«تقسیم دیجیتالی» تمایزی است بین افراد دارای دسترسی به مهارتها و فرصت های اقتصادی و کسانی

تمایز دیجیتالی (موزبرگر و دیگران ۲۰۰۳) تشریح شده است. مثلاً آنها می گویند: احتمالاً کسانی که بیشترین نیاز به کمک را در استفاده از کامپیوتر دارند افراد مسن تر، کم تحصیلات و کم درآمد هستند. سن و تحصیلات بیشترین تفاوت را بوجود می آورند. هر دو بعد مهارت فنی و سواد اطلاعاتی بیشترین اختلافات را نشان می دهند. (ص ۱۱۷) این تقسیمی است که کاربران کامپیوتر را از افرادی که از کامپیوتر استفاده نمی نمایند متمایز می سازد. بر اساس نظر گوکسن (۲۰۰۳ ص ۲۳) افراد حاشیه نشین یا استثنایی کسانی هستند که: خارج از شبکه هایی قرار دارند که چشم اندازهایی را برای آینده ایجاد می نمایند. اینگونه افراد از سیستم آموزش تامین اجتماعی، بهداشت و بازار کار خارج هستند.

این مستثنی بودن منجر به دور ماندن گروههای خاص، مخصوصاً زنان (در ترکیه) از فرایندهای سازمانی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می شود.

«سواد عملی» مرحله ای دیگر در فرایند یادگیری است. گورمان (۲۰۰۳ ص ۴۱) این فرایند را تحت عنوان توانایی در خواندن و نوشتن به حدی که فرد را قادر به داشتن یک زندگی نرمال خارج از منزل می سازد تشریح می نماید. مطمئناً این قابلیت شامل دامنه گسترده ای از مهارتها می شود. بسیاری از فارغ التحصیلان دبیرستان در آمریکا فقط بدنبال مقدار حداقل یادگیری بوده و فقط در سطح دست یابی به سواد عملی تلاش و مطالعه می نمایند. و اغلب این دانش آموزان انگیزه ای واقعی برای دستیابی به موفقیت حرفه ای یا شغلی ندارند. (پیرز ۱۹۹۶)

سواد اطلاعاتی از نقطه نظر عملی از نظر موزبرگر و دیگران (۲۰۰۳ ص ۵۲) بدینگونه تشریح شده است

گرفته و شامل مهارتهایی مانند توانایی در کاوش، خواندن، درک و ارزیابی اطلاعات (هم محتوا و هم منبع اطلاعات) می شود.

بر اساس نظریه دوویس (۱۹۹۹ص ۱۴۹) هدف آموزش مادام العمر ارائه مهارتها به دانش آموزان جهت ادامه آموزش و یادگیری در تمام عمر و ایجاد دیدگاههای مثبت به آموزش جهت پذیرش و استقبال از تغییرات و آموزش جدید است.

سواد فی نفسه موضوع و اصطلاحی مبهم است. چند سال قبل اگر مردم می توانستند امضا نمایند با سواد تلقی می شدند. با سواد بطور سنتی شامل مهارت در سه بخش خواندن، نوشتن، و حساب می شود.

باسوادی به عنوان یک پل

آموزش مادام العمر و کاوش و یافتن اطلاعات موفقیت آمیز نیازمند سواد بوده، سواد و قابلیت خواندن تفریحی جهت برآوردن امیالهای فردی فقط سواد نیست که برآورنده نیازهای اطلاعاتی است. ایجاد پلی بین تمایز دیجیتالی فقط یک مرحله جدید است. مرحله دیگری که دارای اهمیت یکسان است درک و تزریق ارزش غیرقابل انکار خواندن انتخابی در یک فرد بی سواد یا کم سواد می باشد. لذت کنجکاوی و حساسیت و دانشی که خواندن به همراه دارد باید در هر فرد تغذیه شود. اقدام در ایجاد مواد برانگیزنده، محیط های تغذیه کننده، هدایت مناسب و پاداش برای خوانندگان

آنان است.

مفهوم باسوادی

ضرورت باسوادی جهانی یک نگرانی اجتماعی بوده که امکان مشارکت افراد در انجمنهای شهری دموکراتیک را ایجاد می نمایند (ضرورتی ذاتی تلقی شده (گورمان ۲۰۰۳، ایستربروک ۲۰۰۳، رودریگز ۲۰۰۲) زیرا واقعیهایی می باشند که (نمایانگر این امر هستند) که بسیاری از افراد به مجموعه مهارتهای اطلاعاتی کافی برای موفقیت در عصر اطلاعات دست نیافته اند. (پیرز ۱۹۹۶، درهر ۲۰۰۰، امیر ۲۰۰۳، کجابی ۲۰۰۰، کرش ۱۹۹۳، موزبرگرو دیگران ۲۰۰۳ مورلی ۲۰۰۰) مجاورت کم سواد و کتابخانه ها ایجاد نوعی تناقض جهالت برای کتابداران می نماید. کم سواد در عصر غنای اطلاعاتی بیش از پیش مورد بحث قرار گرفته است. (یوردیک ۱۹۹۸، واندر بیل ۱۹۹۹)، چون باسوادی بعنوان مبنای اصلی یادگیری ضروری محسوب می شود. ارتباط آن با آموزش مادام العمر نیز مهم تلقی می شود. دست بابتی و حفظ مهارتهای باسوادی در بالاترین سطح برای آموزش مادام العمر موفقیت آمیز اهمیتی بسزا دارد. (کی بی ۲۰۰۰، رویس ۱۹۹۹)، در مورد باسوادی زیاد نوشته شده چون با سیستم های آموزشی ارتباط دارد. (کی بی ۲۰۰۰، گوردون ۲۰۰۳). اخیرا توجه به ارتباط بین باسوادی و آموزش مادام العمر و باسوادی و جمعیهتهای حاشیه نشین رشد محسوسی داشته است (رویس ۱۹۹۹، گاکسن ۲۰۰۳، کیل پاتریک ۲۰۰۲) این توجهات اخیر ترجیحا به ارتباط بین باسوادی و آموزش عمومی تاکید دارد.

باسوادى بعنوان بخشى از زندگى

بسیاری از افراد جوان معاصر نیازمند مهارت‌های آموزشی پیشرفته هستند. دنیای اطلاعاتی که حول محور خواندن می‌چرخد رشدی تصاعدی دارد. مهارت‌های کافی برای خواندن و درک اطلاعات روزمره مهارت‌های پیشرفته تری نسبت به چند دهه قبل به حساب می‌آیند. کی بی این مطلب را بدین گونه تشریح مینمایید (۲۰۰۰ص ۲۸):

افزایش تقاضاها برای سواد در قرن گذشته و نسل بی پایان دانش جدید روشن ساخته که پیچیدگی خواندن کنونی بیشتر دانش آموزان باید جهت برآوردن نیازهای دنیای کاری فردا چند برابر افزایش یابد.

با کمال تعجب ریشه این نگرانی برای موفقیت دانش آموزان در زمینه پیشرفت حرفه ای در باسوادی یافت می‌شود. این یک انتهای چشم انداز کسانی می‌باشد که به مهارت‌های آموزشی نیازمند هستند. فقط با خوب عمل کردن در خواندن، فهمیدن و نوشتن دانش آموزان می‌توانند به رقابت موثر در موقعیت‌های کاری آینده امیدوار باشند. در هر این موضوع را بدینگونه تشریح می‌نماید:

(۲۰۰۰ص ۳۸). سواد و اطلاعات محیط کار در هزاره آینده با حل مشکل مترادف خواهد بود. و شامل ائتلاف ابعاد متفاوت خواندن، نوشتن، شنیدن، سخن گفتن و مهارت‌های اطلاعاتی می‌شود. دنیای امروز آنقدر سریع تغییر می‌نماید که تکنولوژی‌های جدید توسعه و ارتقا مجموعه مهارت‌های قدیمی مانند خواندن را ضروری می‌سازند. سواد به خودی خود چیزی بیش از خواندن و نوشتن می‌شود. سواد دارای دامنه ای از موضوع قرون وسطایی نوشتن یک اسم تا فرد معاصری که دارای دیپلم بوده

روزنامه و تولید مجموعه ای از اشکال می داند. (کوک ۱۹۹۶ ص ۷) این موضوع را بدینگونه تشریح می نماید :

باسوادی و سواد آنچنان در دنیای مدرن در همه جا به چشم می خورد که بدون توجه بدان نگاه می کنیم. افراد باسواد اغلب تصور می کنند که همه در این دنیا باسواد هستند. بی سوادی نیز یک نگرانی جهانی است. علیرغم اینکه بی سوادی در تمام کشورها وجود داشته کوک (۱۹۹۶ ص ۷۷-۷۸) توضیح می دهد که :

تقریباً ۹۰٪ افراد بی سواد امروزه در کشورهای در حال توسعه که در آنها سطح میانگین باسوادی افراد بالغ حدود ۴۰٪ است یافت می شوند. سطح بی سوادی در این کشورها در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ حدود ۱۰٪ کم شد. هنوز به خاطر روند رشد جمعیت تعداد مطلق افراد بی سواد طی آن دوره زمانی تا حدود ۷۰ میلیون افزایش داشت.

این انتهای متضاد دیگر طیف، ضرورت سواد پایه توسط میلیونها نفر جهت بقا و زندگی روزمره معمولی چیزی است که دانش آموزان طالب یک حرفه بدنبال آن هستند. ایستبروک (۲۰۰۳ ص ۲۸۶) در صدها رابه جای اعداد مطلق جهت نمایش عامل مهمی که با افزایش با سوادی مرتبط است را مقایسه می نماید. وی عنوان می دارد که : در ۱۹۷۰ میزان افراد بالغ با سواد ۴۷٪ بود و این تعداد امروزه ۷۳٪ است. رشد ثبت نام دختران در مدارس چشمگیر بوده است، این مشارکت دختران و زنان بعنوان فراگیران در بسیاری از جوامع که قبلاً بسته بودند شاخصه مهمی از میزان مهارتهای با سوادی بوده و این احتمال نیز که چرخه بی سوادی ممکن است در این نقاط شکسته شود نیز از اهمیتی

ارزشهای خانوادگی، تعالیم مذهبی و رسوم فرهنگی است. ایجاد امکان تخت آموزش قرار گرفتن

زنان محرکه ای بزرگ برای با سوادی پیشرفته تر در حال حاضر و آینده خواهد بود. ایستریروک

(۲۰۰۳) به میزان کمکهای خارجی که بیشتر آمریکاییان، در مقایسه با مقداری که واقعا بدانها

اختصاص داده شده، فکر می کنند دریافت کرده اند توجه نموده است. وی معتقد است :

تمام آفریقائیان ساکن صحرا که به خاطر بهداشت نامناسب، بی سواد و سوتغذیه به فلاکت افتاده

اند، در حال حاضر سالانه ۱/۳ میلیارد دلار کمک خارجی دریافت می نمایند. این مقدار بالغ بر نیمی

از آنچه است که امریکا صرف هر حمله جدید زیر دریایی می نماید. (ص ۳۰۵)

باسواد بخشی از یک موقعیت پیچیده است که در سطح فردی، نیاز به انگیزه، برنامه ها یا تسهیلاتی

برای ساختار، مواد و منابع آموزشی، و شاید بیشتر از هر چیز دیگری تداوم - اقتصادی، سیاسی، فردی

- به نحوی که فراگیر در محیط حمایتی کافی به مجموعه ای از مهارتهای خواندن و نوشتن دست

یابد.

جمعتهای حاشیه نشین اغلب فاقد این ثبات، حتی وقتی فرصتهایی برای یادگیری در دسترسشان است

هستند. مشکلات زندگی اغلب به موانعی در سر راه موفقیت تبدیل می شوند. واندر بیلت عنوان می

دارد (۱۰۰۰ ص ۸۲):

یک میزبان پاریسی از بنجامین فرانکلین نظرش را در مورد تاسف بارترین موقعیت مردان پرسید پس

از اندکی مکث پاسخ داد « مرد تنهایی در شب بارانی که قادر به خواندن نباشد » علیرغم تداوم جریان

بلامنازع اطلاعات، از دیرباز عدم توانایی کاربرد اطلاعات بطو موثر خود مشکلی بوده است. هرگونه

باشد حتی در کشورهایی مانند امریکا.

باسوادی بعنوان یک مهارت :

بسیاری از سازمانهای آموزشی غیر انتفاعی، خواندن را ارتقا و بسیاری از مدارس، دانش آموزانی را فارغ التحصیل نموده که بالقوه خوانندگان قابل می باشند. هنوز مشکل کم سوادی وجود دارد. در حالیکه جامعه نیاز بیشتری به مهارتهای با سوادی نسبت به قبل دارد. کراشن (۱۹۹۳ص ۴) بیان مینماید : علیرغم رشد سواد پایه در قرن گذشته، تقاضا برای با سوادی رشدی سریعتر داشته است. بسیاری از مردم به اندازه کافی قادر به خواندن و نوشتن جهت فائق آمدن به نیازهای آموزشی پیچیده جامعه مدرن نیستند.

امکان باسواد شدن امکان پذیر است. فرصتهای بسیاری برای فراگیری مهارتهای پایه خواندن و نوشتن وجود دارد. (آگی، ۲۰۰۳b). نمونه ای از یک برنامه عالی سواد اطلاعاتی که کتابخانه ها را به وسیله

یوزرهای آنها یونیت می کند ، پروژه Smart Cape Access Project in

CapeTown, South Africa (Valentine, ۲۰۰۴) در کیپ تاون افریقای جنوبی است .

بهره وری از هر فرصتی نیازمند وجود انگیزه در فراگیرنده است.

خواندن دریچه ای است روبه دنیایی معنادارتر. مهارتی است که در صورت عدم تمرین از دست

خواهد رفت. گوردون و گوردون (۲۰۰۳) ناکید می نمایند که خواندن نیازمند تمرین مکرر جهت

پیشگیری از نقصان و ضعیف شدن است. آنها عنوان می دارند که مهارتهای سوادآموزی مانند

نگرانی را مطرح می نمایند که مجموعه ای از دستورالعمل ها و ابزارها مانند تلفن ، رادیو، تلویزیون و کامپیوتر باعث تحلیل رفتن مهارت های خواندن، نوشتن و حساب در بسیاری از بخش های جامعه امریکا شده اند. تامین اطلاعات ارزشمند و دقیق و ارائه آن بعنوان پشتوانه ای برای زندگی روزمره - مانند عناوین و بولتن های رادیو تلویزیون - راحتی غیر اصولی مطلع شدن بدون صرف زمان و تلاش فکری هضم حقایق و تفکر اساسی در باره مطالب ارائه شده در اختیار کاربران اطلاعات قرار می دهد. بولتن ها و عناوین ظاهری آسان و سریع بوده و در مقایسه با پشتکار و تلاش لازمه در همگام خواندن منابع اطلاعاتی آسان می باشند.

کم سوادی

خوانندگان کم سواد تلاشی برای خواندن ننموده، مهارت های آنها تحلیل رفته و فرصت های آنها برای آموزش موفقیت آمیز آینده کمرنگ می شوند. بیرز (۱۹۹۶ ص ۱) این موضوع را به عنوان یک مشکل روبه رشد مطرح نموده عنوان می دارد: چه آنها را افراد غیر خوانندگان، غیر خوانندگان باسواد، خوانندگان بیمیل یا کم سواد بنامیم، گروهی که می توانند بخوانند ولی نمی خوانند بزرگ و روبه رشد هستند. بسیاری از خوانندگان اطلاعات را از منابعی مانند تلویزیون یا رادیو بدست آورده در حالیکه ممکن است بدست آوردن این اطلاعات از طریق خواندن (مطالعه) دقیقتر و موثرتر باشد. واندر بیت به شکل متقاعد کننده ای می گوید (۱۹۹۹ ص ۸۱): عدم تمایل برای خواندن به تمام مطبوعات سرایت نموده، که باید عنوان نمود که این مشکل غم انگیز به معنای توانایی خواندن برای

شایع است.

نگرانی برای توسعه و ارتقا شغلی یا دست یابی به مهارت‌های لازمه برای رقابتی موثر در بازار کار امروزی حقیقت دارد. چه بی سواد چه باسواد، تقاضا برای مهارت‌های پیشرفته سوادآموزی مشهود است. ایبر (۲۰۰۳) به این گروه از جمعیت توجه نموده ولی می گوید:

« توانایی برای ایفای نقش موثر در جامعه اطلاعاتی نیازمند درجه بالایی از سواد و مجموعه ای از مهارت‌ها است که بعضی از افراد فاقد آنها هستند. (ص ۲۱۹) بوردیک (۱۹۹۸) این موضوع را با تاکید بر ضرورت استفاده مداوم از مهارت‌های کتابخانه ای تقویت می نماید. بوردیک (۱۹۹۸ ص ۱۴) عنوان می دارد که « جهت استفاده موثر از اطلاعات، بایستی انگیزه و دلیل و میل و علاقه برای انجام آن وجود داشته که این موارد در افراد منکر سواد (بدون انگیزه برای خواندن) وجود ندارد» در عصر ما مانند گذشته به خواندن توجه نمی شود. واندر بیت (۱۹۹۹) این موضوع را در ارتباط با جامعه امریکا شفاف ساخته عنوان می دارد « هر چه ما بخواهیم خود رامتمدن و مردمی باسواد تلقی تمایم، با اینحال مجموعه ای از شواهد تردید آور ناقص در این امر وجود دارد. (ص ۷۹) وی ادامه می دهد:

جان اشتاین بگ همیشه از این موضوع متعجب بود که چرا میزان منتشر شده از یکی از کتابهای وی در جامعه پنج میلیونی دانمارک برابر با میزان نسخه منتشر شده در جامعه امریکا با جمعیت ۱۳۰ میلیونی است (واندر بیل ۱۰۰۰ ص ۸۰).

تمام افراد باسواد که در جوامع مملو از مشکلات و پریشانی های الکترونیکی بایستی به تلاش برای خواندن و پی بردن به ارزش خواندن توجه و رو آورند، فقط با توجه به مزایای خواندن، تلاش فکری

خواندن همراه با تفکر پلی ایجاد می نماید که با استفاده از آن مسئولین کتابخانه ها باید درک فایده فرایند خواندن را در خوانندگانی که به فراگیران مادام العمر تبدیل می شوند ایجاد نمایند.

سواد بعنوان راهنمایی برای آموزش

خواندن کاتالیزوری برای یادگیری است. با گذر از خواندن از مرحله کلمه به جمله، درک ذهنی معنا تحقق یافته و دانش با یادگیری جای مکانیک خواندن را می گیرد، تا آنجا ئیکه به کتب الکترونیکی مهیج که نمایی جدید در ادبیات هستند مربوط می شود، هدف برآوردن آرزوهای ناپیدای دانشجویان و برآورده شدن عشق به خواندن از طریق ادبیات است. (آگی ۲۰۰۳ا ص ۵) به همراه تجزیه و تحلیل متون پیچیده، این نکته اساسی آموزش مداوم و مادام العمر تداعی می شود. فرد بصورت تجربی با سواد شده، ممکن است بتواند علائم را بخواند یا فرمی را تکمیل نماید اما اکثر مشاغل به سطح سواد بیشتری نیاز دارند. آرزوی دستیابی به شغلی جدید توسعه مهارتهای خواندن را می طلبد. گورمان (۲۰۰۳ ص ۴۱) پیشنهاد می نماید:

علیرغم اینکه میلیونها امریکایی وجود دارند که نمی توانند این کارها را انجام دهند، میلیونها نفر نیز وجود دارند که می توانند (افراد بصورت تجربی باسواد شده) ولی نمی توانند یک کتاب بخوانند یک مقاله طولانی را در روزنامه ای دنبال نمایند یا نامه ای قانع کننده بنویسند.

امروزه و ثر آینده خواندن از جایگاهی مهم برخوردار خواهد شد. خواندن و نوشتن نیازمند صبر، آموزش و ممارست در سطح فردی هستند. مهارتهای کافی باید کسب و کاربرد مکرر این مهارت

بعنوان ارتباط با باسوادی کنار هم قرار می دهد:

خواندن یک مهارت پایه بوده، جامعه مدرن بدون خواندن رشد نخواهد نمود و البته نوشتن نیز مهم

بوده و تداوم می بخشد، خواندن امکان آموزش و یادگیری نهایی را بوجود می آورد (رویس

۱۹۹۹ ص ۱۵۰)

بدلیل رشد جامعه و تغییر در عصر اطلاعات تقاضاها در سطح فردی در حال افزایش هستند. آینده

افراد را مجبور به حفظ و پیشرفت حرفه ای می نماید. بی سوادی یا کم سوادی منجر به عقب ماندگی

خواهد شد. کی بی (۲۰۰۰) و درهر (۲۰۰۰) در این دیدگاه و ضرورت دست یابی به مهارتهای

آموزشی پیشرفته در محیط کار اتفاق نظر دارند. این نیاز فراگیری در سطح فردی برای بقا و موفقیت

یکی از پارادوکسهای آموزشی بوده، فرد باید در کسب مهارتهایی که بعدها منجر به وارد شدن در

ارتباطات اجتماعی زقابتی متقابل نسل بشری می شوند کوشا باشد.

آموزش مدام العمر

فردی که به سطح سواد دبیرستانی یا دانشگاهی دست می یابد، در ارتباطات متقابل برای تمام دوران

زندگی به روی او باز می شود. (رویس ۱۹۹۹) آموزش مادام العمر را بعنوان ترکیبی از مهارتها و

نگرشهایی که باعث تغییر می شوند تعریف می نماید. این نوع فراگیری که ذهن افراد مسن تر را آماده

تر و مجرب می نماید، از هر زمان دیگری مورد نیاز تر است.

در این عصر اطلاعات و تکنولوژی، اعضا مسن تر جامعه بین نیروهای مکمل و دوگانه بازنشستگی و

تر شده اند. جهانی شدن منحصر به جوامع از نظر قابلیت‌های اقتصادی قوی یا آنهایی که سیستم های اطلاعاتی کارآمد تری دارند نمی شود. تمام جوامع در تمام کشورها با اثرات جهانی شدن در جریانات مالی و اقتصادی، اطلاعاتی و نیازهای فراساختاری مواجه می شوند. برای اینکه با نکتولوژی امروزه آشنا و همراستا بود باید بصورت کارآمدتری آموزش دید و دیدگاهی جامعتر نسبت به زندگی و ارتباطات نسبت به گذشته داشت.

چون جوامع بسیاری تحت تاثیر جهانی شدن قرار می گیرند، مسئولین کتابخانه ها می بایستی گروههای حاشیه نشین را که امکان یا توانایی دسترسی لازم به اعضا ساختاری خود و جامعه جهانی را ندارند، شناسایی و تشویق نمایند. آموزش مادام العمر ممکن است برای بعضی شامل آموزش بالغین یا برای دیگران تلاش برای دستیابی به کاربردهای فنی شود. آموزش مادام العمر فقط در صورت باسواد بودن مفید خواهد بود.

جوامع حاشیه نشین

اغلب این جوامع به گونه ای زندگی می کنند که گویا تحت تاثیر لوکی، خدای شیاد اسکاندیناوی (هربرگ ۱۹۳۵) قرار گرفته چون تمام زندگی تلاش و مبارزه ای با تغییرات مداوم است. چگونه بدون خوشی فقط به انتظار حقه ای که منجر به مبارزه و یاس می شود. آیا فرد خواندن را خواهد آموخت اگر نیاز به بدست آوردن وعده بعدی غذا بدلیل منابع محدود در اولویت قرار داشته باشد؟ چگونه فرد خواندن را خواهد آموخت اگر ضرورت واقعی یافتن پناهگاهی در برابر طوفانهای مختلف و مداوم

نموده باشد.

جوامع حاشیه نشین اغلب حق انتخاب کمی دارند چون به خاطر مسئولیت در برابر بقا محض در معرض آسیب قرار دارند. امید به غلبه زنان ساکن جوامع دارای فرهنگ خفقان آور تحت سیطره مردان یا تهیدستان و افراد ناتوان برای غلبه بر مشکلات مداوم زندگی و بقا بدون دریافت کمک از دنیای زندگی خارج به معنای مبارزه با غیرممکن بدون آرزو و امید های واقعگرایانه است. زنان در بعضی جوامع بدلیل سنتها و نگرشهای فرهنگی و مذهبی حاشیه نشین باقی مانده اند. متأسفانه وقتی به آموزش و سواد در مقیاس جهانی می نگریم این معضل جامعه ای خاص بوجود می آورد که در داخل یک چرخه بی سوادی گیر افتاده اند. وقتی اکثر زنان یک کشور بی سواد باشند نمی توانند در لذت و سرگرمی خواندن با بچه های جوانتر سهیم باشند، نمی توانند اذهان بچه های جوانتر را پرورش دهند.

دو پژوهش انجام شده در ترکیه و افغانستان در مورد جوامع حاشیه نشین، اثرات بی سوادی و مشکلاتی که زنان در این کشورها برای با سواد شدن با آنها مواجه بوده اند را تشریح می نمایند. گاکسن (۲۰۰۳) در تحقیقی که برای دانشگاه KOC، با عنوان « ایجاد سرمایه اجتماعی از طریق سوادآموزی » در مورد جوامع زنان حاشیه نشین استانبول انجام داده توضیح داده که پروژه وی مبتنی بر موارد زیر بوده است :

« مفهوم مستثنی نمودن زنان از حوزه اجتماعی ناشی از کمبود مهارت های سواد (خواندن و نوشتن) آنان، (بدین معنی است) که دلیل مستثنی شدن آنان این بوده است که از شبکه هائی که ایجادکننده

خصوصاً زنان از فرایندهای سازمانی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می شود.» (گاکسن ۲۰۰۳ ص ۵)
نگرش به سواد به عنوان مبنائی برای شمول اجتماعی گسترده تر در فرهنگهای سنتی که دارای دیدگاه برتری مردان هستند محسوس تر است.

ارزش سواد به عنوان چیزی بیش از مهارتهای خواندن و نوشتن در موضوع گاکسن (۲۰۰۳) در ارتباط با سواد به عنوان پیش نیاز ایجاد سرمایه اقتصادی و اجتماعی در بین زنان در گروههای (حاشیه نشین) منشعب نشده مشهودتر است.

گاکسن از مفهوم سواد به عنوان مجموعه مهارتهای پایه برای رقابت در بازار فراتر رفته و سواد را به عنوان ابرار تقویت کننده لازم برای شبکه سازی اجتماعی ضروری می داند. وی چنین بیان می نماید:
« سواد اجرایی یک عملکرد نجات بخش است که افراد را ملزم به کسب مهارتهای خواندن، نوشتن و شنیداری یک زبان نموده، که این مهارتها و رای گرامر و واژگان بوده، برارتباط بین خواندن، نوشتن و سیستم های فرهنگی، اقتصادی تاکید می نماید.» (گاکسن ۲۰۰۳ ص ۹-۱)

از نظر وی سواد نه فقط ناشی از مهارتهای اکتسابی فردی، بلکه ناشی از کاربرد های آن مهارتها در شبکه های اجتماعی گسترده تر پشتوانه ای محسوب می شود. در بسیاری از کشورها جوامع حاشیه نشینی وجود دارند که تلاش می کنند صدای آنان در جوامع متمدن دمکراتیک شنیده شود.

گاکسن (۲۰۰۳ ص ۹) می گوید: سواد اجرایی شرایطی ضروری برای مشارکت در دموکراسی و زندگی اقتصادی محسوب شده، ابزاری برای ارتقا هوشیاری اجتماعی و سیاسی است.

گروههای حاشیه نشین جهان، که اغلب زنان هستند، داستانهای گزنده ای در موقعیت هائی دارند که

موضوع گزارش کیل پاتریک (۲۰۰۳) است.

نقش (RAWA) در آموزش سواد در سرتاسر این گزارش محسوس بوده، در این گزارش چنین بیان شده است: (RAWA) مدارس محفی را در افغانستان و پاکستان اداره می نماید که در این مدارس پسران و دختران جوان تحت تعلیم قرار دارند. در حال حاضر ۱۵ مدرسه در پاکستان برای دختران و پسران دایر و دوره های سوادآموزی را برای زنان و مردان برقرار کرده است. در افغانستان که هنوز دیدگاه اصول گرایانه حاکم است (RAWA) گروههای زیرزمینی را برای بحث با زنان جوان در باره اهمیت آموزش، سیاست ... بر گزار می نماید، هنوز برخی از کلاسهای سوادآموزی در زیرزمین ها یا انباری های زنان شجاعی که مایل به خطر پذیری هستند تشکیل می شوند. (صفحات ۱۱-۱۲)

این نمونه های تقویت و حمایت از زنان به عنوان گروههای حاشیه نشین فقط دو نمونه از بسیاری از موارد تلاش صورت گرفته در سرتاسر جهان امروزی است.

سواد مبنای دقت نظر بیشتر و بنابراین بحث و مشارکت سازنده در ایجاد آزادی های سیاسی و اقتصادی است.

سواد که هدیه تمدنهای جهان اول است، در جوامع حاشیه نشین کشورهای در حال توسعه به عنوان گنجی تلقی می شود. کیلیپاتریک (۲۰۰۳ ص ۱۱) با بیان اینکه « در افغانستان بطور تخمینی فقط ۷٪ زنان باسواد هستند» این نظر را ارزیابی می نماید. خواندن برای یادگیری، سهم کردن کودکان در سواد و فعال بودن در موضوعات اجتماعی این زنان را برای موفقیت تشویق می نمایند.

نتیجه گیری

ضرورت انکار ناپذیری برای سوادآموزی در بیشتر کشورهای جهان وجود دارد. تکنولوژی های رو به پیشرفت مهارتهای خواندن رو به پیشرفتی را نیز می طلبند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه جوامع بزرگی وجود دارند که قادر به خواندن و نوشتن نبوده و در نتیجه قادر به درک مزایای تکنولوژی نبوده و زیربنایی برای آموزش مادام العمر ندارند. جوامع حاشیه نشین مانند افراد مسن، زنان، فقرا یا معلولان، بطور کامل جزو اعضا مشارکتی جوامع خودشان نیستند. نقصان تفکر یا عقاید آنان نیز نقصانی برای جامعه بزرگتر محسوب می شوند.

مسئولین کتابخانه ها با گسترش و تداوم برنامه های سوادآموزی و تشویق افراد بی میل به خواندن برای بهره مندی از مهارتهای خواندن و نوشتن، کمک محسوسی به حرفه ها و فرهنگ های محلی و جامعه جهانی می نمایند. مسئولین و پرسنل کتابخانه ها در نقش حرفه ای از جایگاهی مناسب برای ایجاد تغییرات پایدار و معنادار برخوردارند.

این مقاله ترجمه ای است از:

Title: Literacy, aliteracy, and lifelong learning

Author(s): Jim Agee

Journal: New Library World

Year: 2005 **Volume:** 106 **Issue:** 5/6 **Page:** 244 - 252

Keywords: Disadvantaged groups, Librarians, Lifelong learning,
Literacy, Reading

Article URL:

<http://www.emeraldinsight.com/10.1108/03074800510595850>